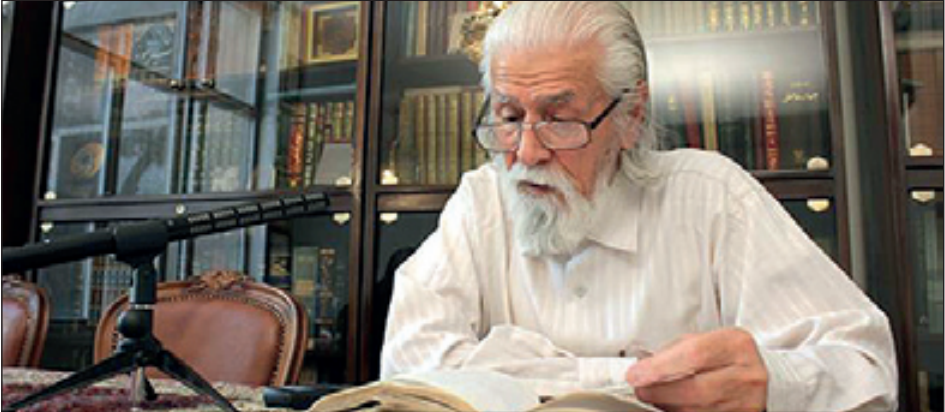


ادبیات



سبک خراسانی در شعر حمید سبزواری

محمد عمادی پور - سبک خراسانی، مطلع الشمس شعر فارسی و طلیعهٔ سخن سربابی و طلایهٔ ذوق آزمایی در ادب فارسی است، سبک شعری که با پیدایش فارسی دری از آغاز نیمهٔ دوم قرن سوم از افق خراسان برآمد و تا پایان قرن پنج، بر گستره شعر فارسی پر تو افشانی کرد. سبکی که شاعرانی چون رودکی، شهید بلخی، بوشکوار بلخی، اسدی، دقیقی، کسایی و منیجک، آغازگران آن و فردوسی، فرّخی، عنصری، منوچهری و ناصر خسرو سرآمدان آن و سنایی، انوری، مسعود سعد و معزّی تغییردهندگان آن بودند. در دوران بعد، بعضی از شاعران، با روی آوردن به سبک خراسانی و انتخاب قالب متداول آن - قصیده - و تغییر در محتوای آن، مضامین مورد نظر خود را با همان سبک و سیاق بیان کرده اند؛ چنان که از شاعران متأخر، ملک الشعرای بهار، صلابت و استحکام قصیدهٔ سبک خراسانی را در مضامین سیاسی و اجتماعی روزگار خویش به خدمت گرفت و در روزگار ما، استاد حمید سبزواری، برای بیان مفاهیم و موضوعات انقلاب اسلامی از آن بهره می جوید.
باری در میان شاعران معاصر، حمید سبزواری می توان از پیروان سبک خراسانی و سنخواران خراسان شمرد. او به مدد جویی و وام گیری از ناصر خسرو و سنایی اقرار می کند و در جایی می گوید:

گیرم مدد ز شیوهٔ پیشینیان
کار آیشی به شیوهٔ شیوا کنم
چون بنگرم در آینهٔ شاعران
تقلید طوطیان شکر خاک کنم
از مکتب فحول سخن آوران
تحصیل علم و صورت و معنا کنم
که دست ز سِفینهٔ ناصر برم
وز او کمال فیض تمنا کنم
که پای در حریم سنایی نهم
وام سخن از آن سخن آرا کنم
سر بر هزار دفتر و دیوان زِ نَم
رو بر هزار منظر و مرئی کنم
باشد که در مقام توصاب نظر
بتوانم آن که لب به سخن وا کنم

بر چنین هنجار در ملک سخن همتای من...
از حمید است این قصیده در جواب آن که گفت
«صبحم چون کله بپنדהٔ دود آسای من»
شعر حمید سبزواری، شعر تمام عیار سبک خراسانی است. در اوج پختگی و کمال. با سلامت لفظ و جزالت معنا. استادانه و ماهرانه و در عین حال، خالی از تصنع و تکلف. چنان که رهبر ادیب و شعر شناس، در مقدمهٔ دیوانش نوشته است: «زبان فاخر در شعر حمید، با مضمون انقلابی و مکتبی، آمیزه ای مطلوب و ارزنده پدید آورده و مجموعهٔ شعر او در دیوان معاصر فارسی، فصل رغبت انگیز و شایسته ای گشوده است»

اینک در پایان این نوشتار به برخی از نشانه های سبک خراسانی در شعر حمید سبزواری اشاره می کنیم.

۱- آوردن ترکیب هایی مانند:
«همه هر آنکه» به جای همهٔ کسانی که همه هر آنکه در آن زاد غلثیان و شرور
«خنتار» به جای خفتن
باور ندارم از تو این بگناه خفتار
«مانا» به جای همانا
مانا که نوبت زن صلا ی عام در داد
«تک» به جای تَه، عمق
سروی که ریشه اش به تک جان رفت
۲- آوردن الف اطلاق در زمندگان جان بر کف و دلارور مردان
شهادت طلب سپاه اسلام در جبهه های دفاع مقدس است. بدیهی است که توصیف این همه پایمردی و پیکار و تبیین این همه ستیز، زبانی فاخر و شیوه ای استوار می طلبد. حمید سبزواری از شاعران خراسان بیش از همه بر همان وزن و با همان قافیه و ردیف و همچون او در استغنا و مناعت طبع و شکوه از نا اهلان و نا بخردان و تعلیم فضایل اخلاقی و سجایای آدمی است؛ نمونه ای در اقتضای قصیده ناصر خسرو با مطلع:
آز ده کرد دژدم غربت جگر مرا
گویب زبون نیافت ز گیتی مگر مرا
قصیده ای با مطلع:
بنگریکی به چشم خردای پسر مرا
عبرت پذیر زان چه پیامد به سر مرا
وی از قصیده سرایان سبک خراسانی، غیر از ناصر خسرو به خاقانی، قصیده پرداز نامبر دار قرن ششم و مسعود سعد سلمان حبسیهٔ سرای ادب فارسی نیز نظر دارد. در قصیده ذیل عنوان «شکایت» با مطلع
شب چو اخگر بر فروزه اختر زای من
گوش تا گوش فلک را پر کند آوای من
به استقبال قصیدهٔ خاقانی، با مطلع
صبحدم چون کله بپندهٔ آه دود آسای من
چون فلک در خون نشیند چشم شب بیهامی من
می رود پس از اظهار درد و دریغ و سوز درون و بیان آزادگی و سرگرانی در برابر مظاهر فریبندهٔ زندگی، در مقام تفاخر، خود را بر خاقانی برتر می نهد ولی به شهریاری او در ملک سخن اعتراف می کند:
لاف معنی می ز نم در بار گاه شعر و نیست

به سادگی، مشترک خراسان شوید

ویژه مشهد



اشتراک آنلاین با ورود به سامانه
www.khcai.net (با ۵٪ تخفیف بیشتر)



عدد ۲ را به شماره
۳۰۰۰۹۷۷۷ پیامک کنید



تماس با شماره
۳۷۰۰۹۷۷۷

هزینه اشتراك یکساله با تخفیف: ۲۲/۰۰۰ تومان ۱۹۵/۰۰۰ تومان
هزینه اشتراك شش ماهه با تخفیف: ۱۱/۰۰۰ تومان ۱۰۵/۰۰۰ تومان
هزینه اشتراك سه ماهه : ۵۸/۰۰۰ تومان

مزیت های ویژه مشترکین:

توزیع رایگان

عدم محاسبه تعطیلات رسمی در اشتراک یکساله

عدم تغییر قیمت طی دوره اشتراک ، در صورت افزایش تعرفه

نصب صندوق با تسهیلات ویژه

خراسانیان

روایت زندگی سعدی در

ناتار شهر



فرسان روزنامه‌مسح‌ایران یکشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۵، ۱۹ شوال ۱۴۳۷، شماره ۱۹۳۱۰

حسین کیانی نمایشنامه‌ «روزی از روزگار شیخ اجل» را بر اساس زندگی سعدی شیرازی روی صحنه می‌برد. به گزارش ایستاین نمایشنامه‌به دنبال طرحی است که دوسال قبل به‌دهنر سید چرا که هموار می‌کشد دغدغه‌ها در این نمایشنامه‌دوران می‌اسالی سعدی است که در واقع آغاز زمان پختگی اوست. سعدی که من در این نمایشنامه‌منظر دارم شاعر می‌جوان با شور و شوق زندگی و اجتماعی است و به هیچ عنوان خالی از ملن نخواهد بود.

هویت ایرانی در شاهنامه

دکتر ابوالفضل خطیبی

عضو هیئت‌رسته فرهنگستان زبان‌و ادب فارسی

هویت ایرانی ریشه در اسطوره‌هایی دارد که هزاران سال پیش نیاکان ما آن‌ها را خلق کردند و استمرار بخشیدند و داستان‌های حماسی در باره شاهان و پهلوانان آرمانی ایرانیان چون کیخسرو و گرشاسپ و آرش و رستم، در تاریخ ایران پشتوانه‌های فکری و معنوی نیرومندی بود که همبستگی ملی را سخت‌تقویت می‌کرد. از سپیده‌دم تاریخ تا کنون به‌رغم آن که ایران بارها در معرض هجوم دشمنان خود بوده، و گاه شکست‌های وحشتناکی را متحمل شده و سرتاسر کشور به‌دست بیگانگان افتاده، ولی ایرانیان هیچ‌گاه هویت خود را فراموش نکردند و در سخت‌ترین روزگار آن که گمان می‌رفت همه‌چیز نابودشده، حلقه‌های مرئی و نامرئیِ هویت ملی چنان آنان را با یکدیگر پیوند می‌داد که می‌توانستند ققنوس را از میان تلی از خاکستر دگر بار سر برآورند.

شاهنامه منبعی بسیار غنی از میراث مشترک ایرانیان است که در آن می‌توان استمرار هویت ایرانی را از دنیای اسطوره‌ها و حماسه‌ها تا واپسین فرمانروایان ساسانی آشکارا دید. فردوسی بی‌گمان در احیای زبان فارسی که از ارکان هویت ملی است، نقش بی‌چون‌وچرایی داشته‌است و محتوای شاهنامه دارای ویژگی‌هایی است که سبب شده‌است تا هویت ملی تا امروز استمرار یابد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱ یکپارچگی سیاسی: در سراسر شاهنامه هیچ دوره‌ای نیست که ایران بدون فرمانروا باشد حتّی فرمانروای بیگانه‌ای چون اسکندر را از حذف نگرده، بلکه هویت ایرانی بدو داده‌اند.

۲ یکپارچگی جغرافیایی: از آغاز شاهنامه تا دوران فردیون، فرمانروایان ایرانی بر کلّ جهان فرمان می‌راندند و از ایرج به بعد بر ایران شهر که تا پایان شاهنامه کانون رویدادهاست، هر چند در دوره‌های مختلف مرزهای ایران شهر تغییر می‌کند. مثلاً زمانی ارمنستان بخشی از قلمروی ایران است و زمانی دیگر نیست.

۳ یکپارچگی روایات: در شاهنامه بر خلاف دیگر منابع فارسی و عربی در باره تاریخ ایران روایات یک‌دست است. بدین معنی که خواننده هیچ‌گاه با روایات گوناگونی از یک رویداد واحد روبه‌رو نمی‌شود.

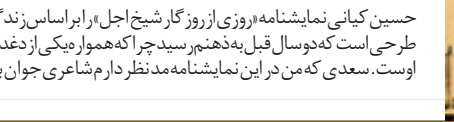
این ویژگی‌ها به خود شاهنامه مربوط نمی‌شود، بلکه هر سه در کتابی به‌پهلوی به نام خودای نامگ (→ xwādāy nāmāg)، تاریخ رسمی دوره ساسانی که در زمان خسرو انوشیروان مدوّن شده، جمع بوده‌است. این کتاب از قرن دوم هجری به بعد به عربی و فارسی ترجمه شد و منظومه‌های گران قدری بر اساس تحریرهای منثور فارسی شکل گرفت و فردوسی کاخ بلند نظم خود را بر پایه یکی از تحریرهای فارسی خدای نامه، یعنی شاهنامه ابومنصوری تألیف یافته به سال ۳۴۵ هجری بی افکند.

بنابراین هنر اصلی فردوسی در انتخاب بهترین منبع در زمینه تاریخ و حماسه ملی است که حاکی از نبوغ اوست و درک شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ایران در آن روزگار. در عصر تاریخی شاهنامه، ایده ایرانی یکپارچه به‌لحاظ سیاسی و دینی در سه مقطع آشکارا قابل تشخیص است و در سرتاسر دوره ساسانی به عنوان جریانی مستمر حضور دارد: مقطع نخست، زمان دارای داریان، آخرین پادشاه کیانی در تاریخ ملی است که داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی را فرایاد می‌آورد و بر برخی رویدادهای مربوط به پادشاهی اوست که در دوران این پادشاه کیانی بازتاب یافته‌است. دوران این پادشاه در خدای نامه محل تلاقی دو ایده کلیدی در اندیشه ایرانیان باستان است:

یکی ایده ایرانی یکپارچه به‌لحاظ سیاسی با مرکزیت ایران شهر و دیگری ایده دینی واحد در سراسر قلمروی پادشاهی. تدوین کنندگان خدای نامه ایرانی یکپارچه به‌لحاظ سیاسی و دینی در عصر هخامنشی را در دوره دارای داریان تجسم بخشیدند.

به گزارش دینکرد و ارداویراف نامه، دارای داریان ۲ نسخه از همه نسل‌های اوستا را در اختیار داشت که یکی در خزانه شاهی نگهداری می‌شد و دیگری در در نشست، ولی اسکندر مقدونی آن‌ها را برآورد و سوخت. بنابراین اسکندر هم یکپارچگی سیاسی ایران شهر را در زمان دارای داریان نابود کرد و هم یکپارچگی دینی را. هم چنان که از زمان اسکندر، قلمروی ایران شهر مرکزیت خود را از دست داد و به ایالت‌هایی با شاهان مختلف تقسیم شد، اوستا نیز که نماد یکپارچگی دینی آن دوران بود، پراکنده گشت و از همین‌رو فرمانروایان سراسر دوران اسکندر تا اردشیر یکم ساسانی را «ملوک الطوایف» خوانده‌اند.

مقطع دوم، پادشاهی اردشیر بابکان است که از یک سو به گزارش تاریخ طبری، مدعی بود به کین خواهی پسر عم خود دارای داریان برخاسته و بنابر گزارش کارنامه اردشیر بابکان سراسر ایران شهر را در نظام پادشاهی واحدی متمرکز ساخت و از دیگر سو به هیربدان عصر خود، تنسر یا توسر دستور داد تا متون پراکنده اوستای عهد اشکانی را گرد آورد و سامان بخشد. دینی پهلوی شکل‌گیری دوباره یکپارچگی سیاسی و ملی در زمان ساسانیان را عباراتی چون: Abāzō ewxwādāyīh abāzārāyīh ī Ērānšahr بیان کرده‌اند. ولی در این باره مسئله بحث انگیز این است که در شاهنامه و خدای نامه، گذشته از خاطره مهمی که از داریوش سوم هخامنشی در دارای داریان کیانی باقی مانده، سخنی از پادشاهان



فرهنگ‌های ملل دیگر در فرهنگ قوم غالب حل شود با نمایش گذشته شکوهمند ایران، احساس ایرانی بودن را در دل‌ها نشاند. گفتیم که فردوسی تحریر ویژه‌ای از خدای نامه را مبنای کار خود قرار داد. این تحریر ویژه چه بوده‌است که چنین تأثیر شگرفی را بر جای نهاده‌است؟ این تحریر نه تماماً ساخته و پرداخته دستگاه شاهی و دبیران دربار بوده‌است و نه ساخته و پرداخته دستگاه دینی ساسانی. به احتمال زیاد طبقه متوسط اجتماعی و عمدتاً طبقه دهقان در شکل‌گیری و استمرار این تحریر که بی‌گمان اساس آن همان خدای نامه رسمی بوده، نقش اساسی داشته و از قضا شاهنامه را نیز دهقان فرزانه‌ای سروده‌است. ویژگی اصلی این تحریر این است که در بخش مفصلی از آن که بر آن تأثیر پهلوانی نام نهاده‌اند، به جای شاهان بیش‌تر پاپهلوانان به‌مدلی شده‌در برابر، پادشاهی چون گشتاسپ که در تحریر رسمی خدای نامه سخت محبوب است، جاه‌طلب و نیرنگ‌باز معرفی شده‌است. پس از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی، هویت دینی ایرانی رنگ باخت، ولی ملیت گرایی موجود در خدای نامه در شاهنامه تبلور و تکامل یافت. با این که در دوره ظهور شاهنامه به خلاف دوران شکل‌گیری کهن الگوی آن، خدای نامه، یکپارچگی سیاسی بر ایران حاکم نبود، ولی تا اندازه‌ای می‌توان این دو دوران را با یکدیگر سنجد. در قرن چهارم هجری دشمنان شمالی همان ترکانی بودند که بار این جذب فرهنگ ایرانی شده و خود حکومت را به‌دست گرفته بودند. به جای امپراتوری روم، اعراب مسلمانی بودند که هویت خود را در تحقیر ملت‌های دیگر به‌ویژه ایرانیان مسلمان می‌جستند و از دین جدید چون ابزاری برای فروزن خواهی و باج‌خواهی هر چه بیش‌تر نیک بهره می‌بردند و از همین‌رو در شاهنامه تازیان در هیئت اژی‌ها که از مُند دشمن قدیمی ایرانیان تجسم یافته‌است.

پس از فردوسی هویت ایرانی نه در بستر حکومتی یکپارچه به‌لحاظ سیاسی و دینی، بلکه در بستری فرهنگی، ادبی و هنری استمرار یافت. ایرانیان، شاهنامه را چون شناسنامه ملی خود حفظ کردند و منتظر فرصتی بودند تا یکپارچگی سیاسی و جغرافیایی روزگار کهن را زنده کنند که کردند. پس از خلق شاهنامه ۵۰۰ سال بعد که صفویان یکپارچگی سیاسی را به ایران بازگرداندند، به‌رغم وجود حکومت‌های محلی، ایده ایران شهر همچنان به حیات خود ادامه داد. گواه این معنی در مدیحه‌های شاعرانی چون خاقانی و نظامی، سنایی، خواجوی کرمانی و عبیدزاکانی نهفته‌است که پادشاهان مدحود خود را ولو آن که بر شهر کوچکی چون مراغه حکم می‌راندند، «شاه ایران» یا «خسرو ایران» خطاب می‌کردند.

هویت ایرانی در شاهنامه در تحقیر ملت‌های دیگر نیست که رنگ و جلای می‌یابد، که خود بر بنیادهای فکری، معنوی و اخلاقی نیرومندی استوار است و از همین‌رو ملی‌گرایی ایرانیان در طول تاریخ، هیچ‌گاه به نژادپرستی مغفوری چون نازیسم و فاشیسم در قرن بیستم مبدل نشد. در قرن بیستم یکم ایرانیان می‌توانند با تعمیق این بنیادها، به‌ویژه بنیادهای اخلاقی که در سرتاسر شاهنامه موج می‌زند، در

دنیایی که به‌سبب پیشرفت‌های برق‌آسای بشر در فنّآوری ارتباطات، بیم آن که بسیاری از فرهنگ‌های بومی فراموش شوند، هویت ایرانی خود را حفظ کنند و آن را استمرار بخشند.

سخن آخر این که اگر دیوان حافظ ناخودآگاه جمعی ایرانیان را بازمی‌تاباند، شاهنامه خودآگاه جمعی ایرانیان است.



آگهی تغییرات شرکت مجتمع های نوربستی و رفاهی آبادگران ایران شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۸۶۴۶ و شناسه ملی ۰۲۴۴۰۰۳۸۰۱۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالانه مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۲ و نامه شماره ۱۷۸۴۰/۱۲۸/۹۵۲/۴ مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۸ اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت.

موسسه حسابرسی ارکان سیستم به عنوان بازرس اصلی با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۳۰۰۵۴ و موسسه حسابرسی آگاهان تراز توس به عنوان بازرس علی‌البدل با شناسه ملی ۰۹۹۶۲۸/۰۳۸۰۰۱ برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ انتخاب گردیدند. روزنامه خراسان جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید. با ثبت این مستندت تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترسی می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد

1/۹۵1۳۱۳۰۹